

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٢٠٤

۱۰۶۰۰۴ / ۱۷۱۱

۱۷۱۱/۷



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

عنوان:

# شیعه و دولت مطلقه در ایران

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر منصور میراحمدی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر داود فیروزی

نگارش و پژوهش:

حسن جباری نصیر

۱۳۸۷ / ۹ / ۲۲

۱۳۸۷

۱۰۶۰۰۴

کتابخانه مرکزی دانشگاه باقر العلوم

## تقدیم:

تقدیم به همسر اندیش ورزم

به خاطر رنج‌ها و حمایت‌هایش و تمامی آنان که الفبای اندیشیدن را برایم آموختند.

## تشکر و سپاس

به یقین اگر پژوهش حاضر ارزش علمی داشته باشد، مرهون راهنمایی و مشاوره اساتید گرانقدرم جناب آقای دکتر میر احمدی و جناب آقای دکتر فیرحی می باشد که در مواقع مختلف با گشاده رویی مرا پذیرفته، مورد لطف خویش قرار داده و دست نوشته هایم را با حوصله ی تمام مطالعه و از بسیاری خطاها و اشتباهات دورم نمودند. صمیمانه از بزرگواری- هایشان سپاس گذارم.

از پدر و مادرم که سالیان سال به خاطر تحصیل دوری ام را تحمل و از همسر فاضل و اندیش ورزم که سختیهای تحصیل را همواره برایم آسان نمود، کمال سپاس و امتنان را دارم. از فرشته کوچولوی عزیزم «سارا» که بهانه های کودکانه اش، صرف مطالعه، تحصیل و تدریس ام شد، معذرت خواهی می کنم و این نوشته ی ناچیز را به همه ی عزیزانی که سهمی در زندگی ام داشته اند، تقدیم می نمایم.

## چکیده

ارکان دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی اول را تمرکز منابع قدرت در دربار، گسترش دیوان-سالاری و ارتش مدرن تشکیل داده است. ارکان سازنده‌ی فوق‌الذکر دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی اول در سیاستهای ذیل در ایران نمایان گردید: امنیت و سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی.

با توجه به سیاست‌های دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی در ایران، در این رساله مواضع و رویکردهای عالمان دینی شیعی به دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی که تابعی از دو متغیر اساسی یعنی «امنیت داخلی و خارجی» و «سیاست‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی» بوده، با تأکید بر الگوی نظری دولت مطلقه‌ی جان فرانکو پوجی - که بنا به اعتقاد نگارنده بیشترین انطباق را با واقعیت‌های اجتماعی موجود در ایران و دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی دارد - مورد پژوهش قرار می‌گیرد.

پس از بررسی ماهیت دولتهای متمرکز مطلقه و عوامل مؤثر در تکوین آن در کشورهای اروپایی در دیدگاه پوجی، به شاخصه‌های نظری وی در دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی یعنی تمرکز انحصار قدرت در دربار، گسترش دیوان سالاری و شکل‌دهی به ارتش مدرن، پرداخته می‌شود. با تأکید بر شکل‌گیری دولت شبه مدرن پهلوی که ریشه در تغییر و تحولات نظام پس از مشروطه در ایران داشته، مواضع عالمان دینی شیعی نسبت به متغیرهای فوق‌الذکر، در قالب مواضع ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد: رویکرد و موضع انزواگرایانه، رویکرد و موضع حمایت‌گرایانه و رویکرد و موضع مبارزه و خصم‌گرایانه. رویکرد انزواگرایانه بیشتر از طریق آیت الله حایری مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم و به تبعیت از ایشان توسط حضرات آیات آقایان حجت کوه‌کمری تبریزی، صدر و خوانساری در رأس حوزه‌ی علمیه‌ی قم صورت گرفته است. موضع حمایت‌گرایانه بیشتر از طریق عالمان دینی عراق همچون آقای نایینی که کم و بیش تا آخر دوران دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی صورت پذیرفته و عالمان دینی ساکن در تهران نیز همچو آقایان آشتیانی و بهبهانی سیاست‌ عالمان نجف را پیگیری کرده‌اند. و اما سیاست خصمانه و درگیری با دولت مطلقه‌ی پهلوی توسط عالمان مبارزی همچو نورالله اصفهانی، شاه‌آبادی، حاج آقا حسین قمی، سید حسن مدرس، میرزا صادق آقا مجتهد تبریزی وعده‌ای دیگر از عالمان دینی به مرور از زمان شکل‌گیری سیاست‌های نوین فرهنگی، اجتماعی و مذهبی، پیگیری گردیده است.

## فهرست مطالب

- مقدمه: طرح تفصیلی پژوهش ..... ۱
- ۱- بیان مسأله: ..... ۲
- ۲- اهمیت، هدف و ضرورت پژوهش: ..... ۳
- ۳- سابقه‌ی پژوهش: ..... ۳
- ۴- روش تحقیق و پژوهش: ..... ۴
- ۵- سؤال اصلی پژوهش: ..... ۴
- ۶- فرضیه‌ی پژوهش: ..... ۴
- ۷- مفاهیم پژوهش: ..... ۵
- ۸- متغیرهای پژوهش: ..... ۶
- ۹- سؤالات فرعی پژوهش: ..... ۶
- ۱۰- سازماندهی پژوهش: ..... ۶
- فصل اول: چارچوب نظری الگوی نظری دولت مطلقه ..... ۷
- ۱-۱- ماهیت و پدیده‌ی دولت ..... ۸
- ۱-۲- نظریه‌ی دولت مطلقه ..... ۱۲
- ۱-۳- عوامل مؤثر در پیدایی و تکوین دولت مطلقه ..... ۱۵
- ۱-۴- به سوی یک چارچوب نظری دولت مطلقه در ایران ..... ۱۹
- ۱-۵- شاخص‌های دولت مطلقه از دیدگاه بوجی ..... ۲۰

- ۱-۵-۱- دولت مطلقه و دیوان سالاری ..... ۲۰
- ۲-۵-۱- دولت مطلقه و ارتش ..... ۲۱
- ۳-۵-۱- دولت مطلقه و تمرکز منابع قدرت ..... ۲۱
- فصل دوم: پیدایی و مختصات دولت مطلقه‌ی شبه مدرن در ایران ..... ۲۴
- ۱-۲- پیدایش دولت مطلقه‌ی شبه مدرن در ایران ..... ۲۵
- ۲-۲- ارتش و دولت مطلقه در ایران ..... ۲۶
- ۱-۲-۲- چگونگی شکل‌گیری ارتش نوین در ایران ..... ۲۶
- ۲-۲-۲- نقش ارتش در تکوین و پاسداری دولت مطلقه در ایران ..... ۲۹
- ۳-۲- دربار و دولت مطلقه در ایران ..... ۳۳
- ۱-۳-۲- دربار و تمرکز قدرت ..... ۳۳
- ۲-۳-۲- دربار و مشروعیت؛ ناسیونالیسم باستانگرا ..... ۳۹
- ۴-۲- دیوان سالاری و دولت مطلقه در ایران ..... ۴۳
- فصل سوم: سیاست‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی  
و مواضع عالمان دینی شیعی ..... ۴۹
- ۱-۳- سیاست‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی در ایران ..... ۵۱
- ۱-۳-۱- سیاست حمایتی و تظاهرگرایانه‌ی مذهبی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی ..... ۵۲
- ۳-۱-۲- سیاست‌های نوین مذهبی، فرهنگی و اجتماعی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی ..... ۶۱
- ۳-۱-۲-۱- تغییر و تحولات قضایی ..... ۶۲
- ۳-۱-۲-۲- برگزاری کنگره‌های بین‌المللی هنر و باستانشناسی ایران ..... ۶۳
- ۳-۱-۲-۳- جشن هزاره‌ی فردوسی ..... ۶۳
- ۳-۱-۲-۴- تأسیس فرهنگستان فارسی ..... ۶۴
- ۳-۱-۲-۵- تغییر در پوشش مردان و زنان ..... ۶۴
- ۳-۱-۲-۶- آموزش و پرورش ..... ۶۴
- ۳-۱-۲-۷- اوقاف ..... ۶۵

۶۵.....	۳-۱-۲-۸- سازمان پرورش افکار.....
۶۶.....	۳-۱-۲-۹- پروتستانتیسم دینی و تشیع زدایی.....
۲-۳	رویکرد و مواضع عالمان دینی و سیاستهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی دولت
۶۷.....	مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی.....
۳-۲-۱	موضع عالمان دینی، دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی و قانون نظام
	اجباری، ابلاغیه‌ی ضد مذهبی رئیس الوزرا و حوزه‌ی اختیارات فرهنگی، مذهبی
۶۷.....	و اجتماعی روحانیون.....
۳-۲-۲	موضع عالمان دینی، دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی؛ تغییر پوشش
۷۶.....	مردان.....
۳-۲-۳	موضع عالمان دینی، دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی؛ تغییر پوشش
۸۵.....	زنان و کشف حجاب در ایران.....
	<b>فصل چهارم: امنیت داخلی و خارجی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی و مواضع عالمان</b>
۹۹.....	<b>دینی شیعی.....</b>
۴-۱-۱	امنیت داخلی، دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی و مواضع عالمان دینی.....
۴-۲-۱	دولت مطلقه و حمایت از امنیت اماکن مذهبی شیعی، ارزشها و آموزه‌های
۱۰۶.....	دینی در خارج از ایران و مواضع عالمان دینی شیعی.....
۴-۲-۱-۱	دولت مطلقه‌ی شبه مدرن و حمایت از امنیت خارجی عالمان دینی.....
۴-۲-۲-۱	دولت مطلقه و حمایت از امنیت اماکن مقدسه‌ی شیعی، آموزه‌ها و
۱۱۱.....	ارزشهای دینی در سطح بین الملل.....
۱۱۵.....	<b>خلاصه و نتیجه‌گیری.....</b>
۱۱۸.....	<b>فهرست منابع.....</b>
۱۱۹.....	الف: کتابها.....
۱۲۵.....	ب: نشریات.....



مقدمه:

# طرح تفصیلی پژوهش

## ۱- بیان مسأله:

عالمان دینی از دیرباز در ایران درگیر سیاست‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی زمان خویش بوده‌اند. این پژوهش با تأکید بر ارکان سازنده‌ی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن در ایران یعنی تمرکز منابع قدرت در دربار، گسترش دیوان‌سالاری و ارتش مدرن که در سیاست‌های ذیل آشکار می‌شود: امنیت و سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی، مواضع و رویکردهای عالمان دینی نسبت به دو متغیر فوق یعنی «امنیت» و «سیاست‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی» از زمان شکل‌گیری دولت مطلقه‌ی شبه مدرن در ایران از سال ۱۲۹۹-۱۳۲۰ ش را مورد بررسی قرار می‌دهد. مواضع عالمان دینی نسبت به متغیرهای فوق‌الذکر، در قالب مواضع ذیل قابل شناسایی و بررسی خواهد بود:

- رویکرد و موضع انزواگرایانه

- رویکرد و موضع حمایت‌گرایانه

- رویکرد و موضع مبارزه و درگیری

لازم به ذکر است که در مقام عمل مواضع فوق‌الذکر عالمان دینی در طول دوران دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی در ایران یکسان نبوده و فراز و نشیب‌هایی نیز داشته است که در طول پژوهش به آنها نیز پرداخته خواهد شد.

در دو متغیر اساسی پژوهش، در متغیر «امنیت»، امنیت داخلی ایران پس از دوران مشروطیت و نیز امنیت اماکن مقدسه، امنیت ارزش‌های دینی و مذهبی در خارج ایران و

عالمان دینی در عراق و در راستای آن به سیاست دولت مطلقه و موضع عالمان دینی در این زمینه پرداخته خواهد شد. و اما در متغیر «سیاست‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی» پس از طرح سیاست‌های تظاهرگرایانه مذهبی و نیز سیاست‌های نوین دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی، نظام وظیفه اجباری، ابلاغیه‌ی ضد مذهبی رییس الوزرا و حوزه‌ی اختیارات فرهنگی، مذهبی و اجتماعی روحانیون، تغییر پوشش مردان و در این راستا جهت و نظم‌دهی نوین در حوزه‌های علمیه و عالمان دینی، توسط دولت مطلقه و نیز تغییر پوشش زنان و کشف حجاب از زنان و موضع عالمان دینی، پرداخته خواهد شد.

## ۲- اهمیت، هدف و ضرورت پژوهش:

موضع عالمان دینی به عنوان طبقه‌ی تأثیرگذار در روند تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران معاصر، به صورت منسجم و مستقل در راستای «سیاست‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی دولت شبه مدرن پهلوی» و نیز «امنیت» که برآیند نظام پس از مشروطه‌خواهی در ایران بوده، مورد پژوهش جدی قرار نگرفته است. گرچه برخی از موارد فوق‌الذکر به صورت نقل خاطرات، شرح حال و یا نوشته‌های پراکنده نگاشته شده، اما پژوهش حاضر با هدف بازکاوی ابعاد نظری مواضع عالمان دینی نسبت به سیاست‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی و نیز امنیت داخلی و خارجی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن در ایران که محصول تغییر و تحولات عصر مشروطیت و پس از آن و نیز شکل‌گیری دولت مطلقه در ایران، می‌پردازد.

## ۳- سابقه‌ی پژوهش:

ابعاد نظری عالمان دینی شیعی نسبت به دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی اول به صورت جدی مورد پژوهش علمی قرار نگرفته است. معدود اثرهایی نیز که به نگارش درآمده از محدوده‌ی گزارش موافقت و یا مخالفت عالمان دینی با دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی فراتر نرفته و به ابعاد نظری آن‌ها نپرداخته‌اند. دو اثر «علما و رژیم رضاشاه»، به قلم حمید

بصیرت‌منش و «چالش‌های روحانیت با رضاشاه» نوشته‌ی داود امینی، قوی‌ترین تألیفات بوده که آقای بصیرت‌منش به گزارش عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سالهای ۱۳۰۵ - ۱۳۲۰ش پرداخته و آقای امینی برخی از مخالفت‌های روحانیت با رضاشاه را گزارش نموده‌اند. هیچکدام از دو اثر فوق‌الذکر، به خاستگاه نظری عالمان دینی شیعی نسبت به موافقت، مخالفت و یا انزوا از امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی نپرداخته و چرایی مواضع و رویکرد آنان را آشکار مورد مطالعه قرار نداده‌اند. پژوهش حاضر به این مهم می‌پردازد.

#### ۴- روش تحقیق و پژوهش:

این رساله در نوع روش پژوهش، روش توصیفی و تبیینی را با تأکید بر مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای مورد توجه قرار داده و نیز در بررسی مواضع عالمان دینی به دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی، الگوی نظری دولت مطلقه‌ی «جان فرانکو پوجی» بخاطر انطباق آن با واقعیت‌های اجتماعی و شکل‌گیری دولت مطلقه در ایران، انتخاب گردیده است. تمرکز قدرت در دربار، شکل‌گیری ارتش مدرن و گسترش دیوان سالاری در ابعاد مختلف قضایی، اجرایی، آموزشی و فرهنگی و نیز سیطره بر نهادهای قانون‌ساز که از شاخصه‌های دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی در ایران بوده، با تأکید بر الگوی پوجی، مورد پژوهش قرار خواهد گرفت.

#### ۵- سؤال اصلی پژوهش:

مواضع عالمان دینی به دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی تابع چه متغیرهایی می‌باشد؟

#### ۶- فرضیه‌ی پژوهش:

رابطه‌ی عالمان دینی شیعی و دولت مطلقه‌ی پهلوی اول تابعی از دو متغیر اساسی است: سیاست مذهبی، فرهنگی و اجتماعی دولت و دربار پهلوی و امنیت داخلی و خارجی

## ۷- مفاهیم پژوهش:

۱. شیعه. در لغت به معنای پیرو و در اصطلاح به پیروان امام علی(ع) و اهل بیت(ع) شیعه گفته می‌شود. اما در این رساله منظور از شیعه، عالمان بزرگ دینی شیعی تأثیرگذار در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در ایران در طول سالهای ۱۲۹۹ - ۱۳۲۰ ش می‌باشد. عالمان بزرگ دینی شیعی غالباً به کسانی گفته می‌شود که علاوه بر احراز منصب مقام اجتهاد در حوزه‌های علمیه‌ی شیعی، مورد مقبولیت و محل رجوع توده‌های اجتماعی و نیز حوزه‌های علمیه قرار گرفته باشند.

۲. دولت مطلقه. منظور از دولت مطلقه، دولتهای متمرکز شکل گرفته در اروپای پس از قرن هفدهم که تحت تأثیر رشد بورژوازی، دولتهای ملی، جنبش اصلاح دین، گسترش ناسیونالیسم و تغییر و تحولات در عرصه‌های مختلف اقتصادی، تکنولوژیکی و صنعتی سامان پیدا کردند و پادشاهان مطلقه با سرکوب اشرافیت زمین‌دار و کلیسا توسط ارتش‌های مدرن و مجهز، نظامهای سیاسی مطلقه‌ی جدید را بنیاد نهادند و با ایجاد دستگاه اداری، مالی و نظامی متمرکز، تفکیک حوزه‌ی دین از سیاست، نوسازی مالی، تمرکز اقتصادی و تشویق نظام سرمایه‌داری با هویت‌سازی در قالب ناسیونالیسم، بر اقتدارشان افزودند.

۳. دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی. برخلاف دولتهای مطلقه‌ی اروپا که پس از قرن هفدهم پا به عرصه‌ی حیات گذاشتند، تا اواخر دوره‌ی قاجاریه در ایران عملاً نمی‌توان از دولت مطلقه سخن گفت، زیرا دولت متمرکز قدرت طلب در ایران پس از حوادث مشروطیت با تمرکز در منابع قدرت و گسترش دستگاه اداری در حوزه‌های مختلف قضایی، قانون‌گذاری، اجرایی، آموزشی و فرهنگی با از بین بردن قدرت‌های ذره‌ای و محلی مرکز‌گریز و تحت فرمان درآوردن آنها توسط دستگاه نظامی مدرن و گسترش سلطه و قدرت مطلقه به دور دسترس‌ترین مناطق ایران، شکل گرفت و از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ ش به شدت گسترش یافت.

۴- مواضع و رویکردهای عالمان دینی شیعی. منظور از مواضع و رویکردهای عالمان دینی شیعی، مجموعه‌ی رفتارها و نظریه‌های آنان در راستای دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی می‌-

باشد که طول دوران دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی اول بروز و ارایه شده است.

۵- امنیت. منظور از امنیت در این رساله سرکوبی گروههای شورشی و محلی مرکز گریز، سرکوبی حکومت‌های ملوک الطوایفی اواخر عصر قاجاریه، گسترش سیطره‌ی حکومت مرکزی به اقصی نقاط ایران و شکل دهی به دولت مقتدر ملی و نیز صیانت از امنیت اماکن مقدسه‌ی شیعی، آموزه‌ها، ارزش‌ها و عالمان دینی شیعی در سطح بین‌الملل می‌باشد.

#### ۸- متغیرهای پژوهش:

۱. متغیرهای مستقل: امنیت داخلی ایران و امنیت خارجی اماکن مقدسه، آموزه‌ها و عالمان دینی + سیاست‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن در ایران.
۲. متغیر وابسته: مواضع علمای شیعه

#### ۹- سؤالات فرعی پژوهش:

۱. پیدایی و شاخصه‌های دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی در ایران چگونه می‌باشد؟
۲. مواضع عالمان دینی شیعی نسبت به سیاست‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن، چیست و چه تأثیری بر مواضع سیاسی آنان داشته است؟
۳. مواضع عالمان دینی شیعی نسبت به امنیت داخلی و خارجی چیست و چه تأثیری بر مواضع سیاسی آنان داشته است؟

#### ۱۰- سازمان دهی پژوهش:

این پژوهش دارای یک مقدمه و چهار فصل می‌باشد که در فصل اول آن، الگوی نظری دولت مطلقه‌ی «جان فرانکو پوجی» مورد بررسی و در فصل دوم به پیدایی و مختصات دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی براساس الگوی نظری فوق‌الذکر پرداخته می‌شود. در فصل سوم، سیاست‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن و تأثیر آن بر مواضع عالمان دینی شیعی و در فصل پایانی، امنیت داخلی و خارجی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن و تأثیر آن بر مواضع عالمان دینی شیعی، مورد پژوهش و بررسی قرار می‌گیرد.

فصل اول:

**چارچوب نظری؛**

**الگوی نظری دولت مطلقه**

در این فصل، الگوی نظری دولت مطلقه مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای دستیابی به الگویی نظری درباره دولت مطلقه‌ی شبه مدرن در ایران، لازم است ابتدا ماهیت و پدیده دولت، نظریه و عوامل پیدایش و تکوین دولتهای مطلقه مورد کندوکاو علمی قرار گیرد تا از لابه‌لای آن راه به سوی یک چارچوب نظری در مورد دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی، هموار گردد. الگوی نظری «جان فرانکو پوجی» از میان نظریه‌های گوناگون دولت مطلقه، برای بررسی دولت مطلقه‌ی شبه مدرن پهلوی، بخاطر انطباق آن با واقعیت‌های اجتماعی و دولت مطلقه در ایران، انتخاب گردیده است. در الگوی نظری «پوجی»، دیوان سالاری، ارتش و تمرکز منابع قدرت در دولت مطلقه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۱- ماهیت و پدیده‌ی دولت

«دولت» مفهوم و پدیده‌ای پیچیده و تا حدودی مبهم در اندیشه‌ی سیاسی، اجتماعی و تاریخ است. اما همواره اهمیت، تأثیر و نقش شگرف آن در تحولات سیاسی و اجتماعی توجه نظریه‌پردازان و پژوهشگران علوم اجتماعی را به آن جلب کرده است. دولت به عنوان اجتماع انسانی که انحصار کاربرد مشروع زور را در سرزمینی معین برای تنظیم رفتار و نظم اجتماعی در اختیار دارد از قدمت و پیشینه‌ی طولانی برخوردار نیست و در تاریخ تمدن هیچ زمان معینی را نمی‌توان مشخص کرد که در آن دولت به وجود آمده باشد. از آنجا که دولت، پدیده‌ای در حال رشد بوده است، تنها عوامل معینی را می‌توان مشخص کرد که نقش خود را در تکوین و رشد دولت ایفا کردند. این عوامل عبارتند: خویشاوندی، دین، ضرورتهای اقتصادی، جنگ و



پیدایش قدرت سیاسی، که با هم کار کردند که برخی مهمتر بودند و همه با کمک نیروهای تاریخی و گرایشهای طبیعی بشر، روندی را به وجود آوردند که مردمان غیر متمدن از هرج و مرج بیرون آمدند و تابع اقتدار دولت شدند.<sup>۱</sup> بنابراین در دیدگاه پژوهشگران، دولت با توجه به تاریخ طولانی حیات اجتماعی بشر، پدیده‌ای نسبتاً متأخر است. از نقطه نظر تاریخی اشکال اولیه‌ی سازمان سیاسی در میان اجتماعات قبیله‌ای متشکل از اقوام و خویشاوندان ایجاد گردید. در این جوامع بیش از آنکه اقتدار سیاسی حاکمیت داشته باشد عرف و عاداتهای کهن رفتارهای جمعی را تنظیم می‌کرد. در واقع در این اجتماعات به علت فقدان مازاد ثروت و عدم شکل-گیری نظام طبقاتی زمینه‌های لازم برای تفکیک مفهومی و عینی دولت و جامعه از یکدیگر فراهم نشد به عبارت دیگر آنها تابع نوعی اقتدار، قواعد و سیاست بودند، اما دارای دولت نبودند.

امپراتوری‌های شرق باستان سازمان سیاسی پیشرفته‌تری داشتند اما در واقع از قبیله‌های فرمانبرداری تشکیل می‌شدند که با برخورداری از خودگردانی محلی تنها وظیفه‌ی تأمین جنگجو و مالیات را برای امپراتوری برعهده داشتند. در بین قبیله‌ها پیوستگی و وفاداری عمومی وجود نداشت، اعمال اقتدار آمیز نیز به دلیل فقدان امکانات ارتباطی به صورت یکپارچه میسر نبود. این امپراتوری‌ها مجموعه‌ای از حکومت‌های نیمه مستقل بودند که قدرت و اقتدار در میان آنها در گردش و رو به زوال بود.

برخی دولت - شهر یونانی را نخستین شکل دولت در اروپا دانسته‌اند، بی‌شک دولت - شهر یونانی سازمان سیاسی بی‌همتایی بود و می‌توان خصوصیات مشترکی میان آن و دولت مدرن یافت. با این حال بسیاری از این ویژگیها خاص دولت مدرن است که به دولت‌های قدیم تعمیم داده شده است.<sup>۲</sup>

دولت - شهر یونانی با وجود برخی شباهت‌های صوری و شکلی با دولت مدرن، از آن

۱. عبدالرحمان، عالم، بنیادهای علم سیاست؛ (تهران: نشر نی، ۱۳۷۳)، ص ۲۱۷.

۲. وینست، اندرو، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشریه؛ (تهران: نشر نی، ۱۳۷۱)، ص ۲۹.

متفاوت است. یونانی‌ها با مفهوم دولت (state) آشنا نبوده و بجای آن از واژه پولیس (polis) استفاده می‌کردند. در دولت - شهر یونانی جامعه و فردیت به هیچ روی به عنوان پدیده‌های مجزا شناخته نمی‌شدند. به نظر مورخان، واحدهای قبیله‌ای کوچ‌نشین اولیه‌ی در غرب و یونان باستان به تدریج به جماعات اسکان یافته‌ای تبدیل شدند که دارای قلمرو مشخص و معمولاً در شهرهای واجد دژ مرکزی استقرار یافته بودند و اندازه دولت - شهر معمولاً تابع شرایط جغرافیایی بود، اما اغلب دولت - شهرها در مقایسه با دولت‌های مدرن بسیار کوچک بودند.<sup>۱</sup>

میان دولت - شهر یونانی و دولت مدرن برخی شباهت‌های صوری و شکلی وجود دارد، مثلاً هر دو دارای قلمروی مشخص و جمعیتی معین هستند و اندیشه‌ی شهروندی و مفهوم حکومت قانون در هر دو یافت می‌شود. با این حال یکسان دانستن دولت - شهر یونانی و دولت مدرن نادرست است.<sup>۲</sup> از نظر ارسطو و افلاطون غایت دولت - شهر معصوف به تأمین «بهبودی» برای شهروندان بود. به همینسان علم سیاست، یا علم دولت - شهر معطوف به تأمین و توسعه‌ی فضیلت و سعادت بود. دولت - شهر فراگیرنده‌ی کل وجوه زندگی شهروندان به شمار می‌رفت؛ دین، سیاست و زندگی شخصی از یکدیگر جدایی‌ناپذیر بودند. خیر فردی از خیر جامعه جدایی‌ناپذیر بود و اخلاق جزء جدایی‌ناپذیر سیاست به شمار می‌رفت. حوزه‌ی زندگی خصوصی، حقوق و آزادی‌های فردی متصور نبود و شهر نسبت به فرد اولویت داشت. بسیاری صاحب نظران معتقدند که نمی‌توان دولت - شهر یونانی را به عنوان دولت به معنی درست کلمه تلقی کرد. اما در خصوص ماهیت سازمان سیاسی در قرون میانه اختلاف نظر وجود دارد.<sup>۳</sup> اولمان استدلال کرده است که قرون میانه‌ی پیش از قرن سیزدهم با مفهوم دولت آشنایی نداشت، اما برخی همچو اچ. میتیس مورخ آلمانی به وجود دولت در قرون میانه معتقد هستند و چنین استدلال می‌کنند که نهاد دولت چندین قرن پیش از بروز

۱. همان، ص ۳۰.

۲. همان، ص ۳۱.

۳. همان، صص ۳۱-۳۲.

مفهوم آن به صورتی مشخص و شناخته شده، وجود داشته است. با این همه نظریه‌ی وجود شکلی از دولت در اوایل قرون وسطی مورد توجه برخی مورخین قرار گرفته است. یکی از آنان به نام گینتز پست بر این باور است که مورخین اندیشه‌ی سیاسی بیش از حد لازم به ساختار پراکنده و متکثر و منفک جامعه قرون وسطی پرداخته‌اند. به نظر وی حقوق رومی و حقوق مدون کلیسا اندیشه‌هایی در خصوص نوعی رفاه عمومی برتر از حد تعلقات محلی عرضه می‌داشتند. به یک معنا پذیرش نهاد پادشاهی به عنوان شیوه‌ی حکومت نشانگر جستجوی نوعی اقتدار مرکزی و پادشاه مظهر ثبات و نظم و بنابراین به طور ضمنی مظهر رفاه عمومی بود.<sup>۱</sup>

در قرون وسطای متأخر و در سپیده دمان ظهور نظام نوین، شکل تازه‌ای از سازمان و اقتدار سیاسی به تدریج پدیدار شد. با پیدایش شهرها، رشد مبادله و ایجاد بازارهای محلی، شکل‌گیری پیوندهای مشترک اقتصادی یکپارچه - که تنها با رواج شیوه تولید سرمایه‌داری ایجاد شد - ملت به مثابه جماعتی وابسته به سرزمینی معین پس از درهم آمیختگی طوایف، قبایل و گروههای نژادی پا به عرصه حیات گذاشت. با تغییر رابطه‌ی شخصی به رابطه‌ی سرزمینی، انطباق مرزها با خطوط جغرافیایی و قومی، رجحان زبان‌های محلی بر زبان لاتین و انتقال وفاداری‌های محلی و مذهبی به شهروندان نطفه‌ی دولت مدرن متعقد شد که در سرزمین و جغرافیای مشخص قرار داشت و مدعی سلطه بر کل سازمان‌ها و تشکیلات اداری و گروههای داخلی بود و عالیترین مرجع اقتدار و سلطه‌ی انحصاری در قلمرو خویش و تنها منبع وضع قانون که مدعی تأمین رفاه و خیر عمومی است.<sup>۲</sup>

اما آنچه دولت مدرن را تحکیم بخشید نظریه‌ی حاکمیت بود. وجود وفاداری‌های شخصی، محلی یا مذهبی و رجحان حقوق طبیعی و الهی بر حقوق موضوعه مانع رشد اندیشه‌ی نوین «حاکمیت مطلق و تقسیم ناپذیر» در قرون میانه بود. اما ستیز پادشاهان با اربابان

۱. همان، صص ۳۳-۳۸.

۲. همان، صص ۴۱-۴۴.

فئودال و کلیسا زمینه‌ی مناسبی برای پدیدار شدن نظریه‌ی حاکمیت فراهم آورد. در چنین فضای «دولت» به عنوان عالیترین مرجع اقتدار و مدعی سلطه و حاکمیت انحصاری در درون قلمرو خویش متولد شد. ژان بدن حاکمیت را متعلق به مقام پادشاه و مهمترین کار ویژه آنرا قانون‌سازی دانست اما خود حکمران از قانونی که بدین سان وضع می‌شد آزاد بود. پس از بدن، تامس هابز اندیشه‌ی حاکمیت حقوقی را به کمال رساند که از بزرگترین معتقدان به یکپارچگی و مطلقیت اقتدار حکمران که اقتدارش نامحدود، تقسیم‌ناپذیر، فراگیر، جدایی‌ناپذیر و دائمی، بود.<sup>۱</sup> دیدگاه‌های این دو متفکر در قرون شانزدهم و هفدهم میلادی مبانی نظری «دولت مطلقه» را فراهم آورد.<sup>۲</sup>

### ۱-۲- نظریه‌ی دولت مطلقه

نظریه‌ی دولت مطلقه مبانی مورد نیاز خود را از تئوری حاکمیت و بویژه از بحث ژان بدن درباره‌ی قدرت مطلقه گرفت. و تنظیم آگاهانه‌ی نظری مفهوم دولت در نظریه‌ی دولت مطلقه پدیدار شد. درباره‌ی ماهیت دولت مطلقه فرضیات و تصوراتی متداول بوده که لازم است مورد شناخت و بررسی قرار گیرد. دولت مطلقه را باید از برخی مفاهیم مانند دولت استبدادی، دیکتاتوری، حکومت فردی، جباریت یا دولت توتالیتر تمییز داد. دولت مطلقه صرفاً حکومت بی‌قید و بند و جبارانه یا ضرورتاً سرکوب‌گر و ناقض اصول و حقوقی که مبنای اقتدار آنها به شمار می‌رفت نبوده است، چرا که پادشاهان مطلقه خود را حافظ نظم، قانون و عدالت می‌دانستند و بیشتر اتباع آنها نیز چنین می‌پنداشتند. بنابراین مفاهیمی مانند استبداد و جباریت اساساً با آن هم معنا نیست. نظریه‌ی دولت مطلقه در عصری تنظیم شد که در آن نظم و سلسله مراتب اجتماعی جلوه‌ای از نظم عمومی و جهانی تلقی می‌شد. هستی، مجموعه و سلسله مراتبی منظم به شمار می‌رفت که در آن همه چیز از ماده‌ی بی‌جان گرفته تا انواع گوناگون حیات نشانی از وجود طراحی بزرگ در خود داشتند. نظم و انتظام در همه چیز و

۱. رک: عبدالرحمان عالم، بنیادهای علم سیاست، صص ۲۵۰-۲۵۱.

۲. رک: وحید سینیایی، دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران؛ (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۴)، ص ۲۵.